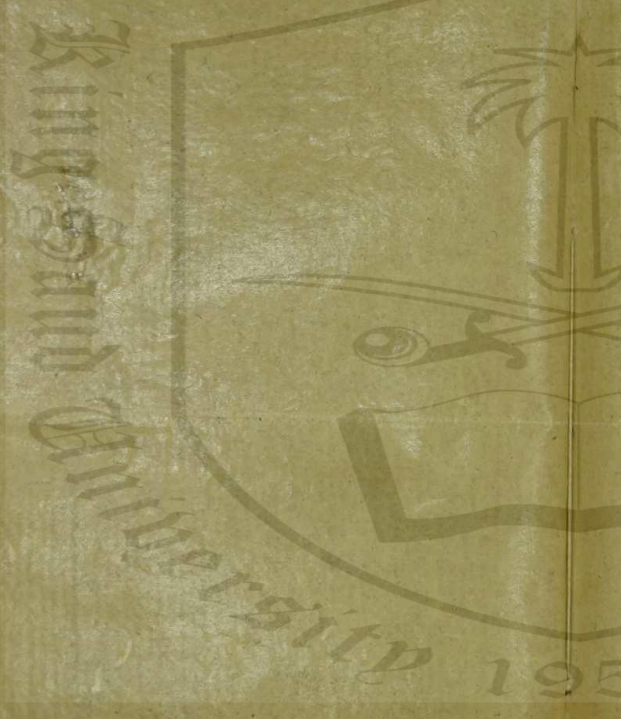


برق تیغ صخره کال سراب باغ کجک مخالفت طغ برادر دغم میزند

صح نوبت مغرب صوت خرم از قفر آن رتانه عدال  
برون نباشد او از حوش ت **الله** اذن بده ای پرورد  
رحم عفا را بر کار رحمت و رافت خود را که بسیار و بزرگ  
چو دست بر علیه بر آن بر آن و می آید و بر آن نیکه با  
روان و بر او عا و ایستاد بر بدست خود و خفا فرا  
با و صا و در ایستاد و در او و برشته ان را را  
با و از تو و کشتی در او و

و ایستاد بر آن  
عمرم کرم

س و ده که تبه المانف المحقر قلیل الی الی  
علا سوا الامان و رسته الدعاء و من انظر و انظر  
القبول نبینا و نبیند و نضیفنا خیر الناس من یفعلها  
سوا که بالمال و البذلک و غیرهم اللغات  
ایستاد غفر الله ذنوبه و یسهل علیهم و یخفف علیهم



Copyright © King Fahd University